

مطالعه تأثیر جنسیت در شکل‌گیری معنای پیام در فرآیند ارتباطات

احمد افروز^۱

دکتر ابوالفضل دانایی^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۴/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۷/۷/۲۴

چکیده

پژوهش‌های مختلف روان‌شناسی از آغاز تاکنون بیانگر وجود تفاوت‌های ارتباطی و درک معنای پیام بین زنان و مردان بوده است. برخی از زمینه‌های تفاوت عبارتند از: هوش و استعداد، رشد و قضاوت اخلاقی، جنسیت، عزت نفس، سبک‌های مقابله و سبک‌های ارتباطی. هدف از این پژوهش بررسی نقش جنسیت در درک معنای پیام در فرآیند ارتباطات است. در بسیاری مواقع، تفاوت‌های آشکار و پنهان مشخصی در ارتباطات مردان و زنان وجود دارد. زنان نسبت به علائم کلامی و غیرکلامی حساسیت بیشتری دارند و برای آنها ارزش بیشتری قائل‌اند، در حالی که مردان برای برنامه‌ریزی‌های راهبردی و فعالیت بر اساس تصمیم‌گیری‌ها ارزش بیشتری قائل شده و نسبت به آنها حساسیت بیشتری دارند. زنان بیشتر احتمال دارد که تأثیرات یک پیام بحث‌انگیز را تعدیل کنند و یا سؤالاتی بپرسند تا یک گفتگو ادامه یابد. مردان در موقعیت‌های تنش‌زا به تنهایی و انزوا پناه می‌برند و سعی می‌کنند که شدیداً کار کنند در حالی که زنان در این شرایط همراهی دوستانشان را طلب کرده و آشکارا نگرانی‌ها و احساساتشان را با آنان در میان می‌گذارند. زنان از لحاظ فهم و درک نشانه‌های غیرکلامی نیز دارای مزیت‌های مهمی هستند، در واقع آنها هم از نظر فرستادن و هم تعبیر و تفسیر این نشانه‌ها بهتر از مردان هستند. نخست، اینکه زنان بهتر می‌توانند علائمی را در مورد احساسات و واکنش‌های خود از طریق بیانگرهای چهره‌ای، زبان بدن و دیگر قرینه‌های کلامی انتقال دهند. دوم اینکه آنها بهتر قادرند پیام‌های غیرکلامی دیگران را رمزگشایی کنند. این مهارت‌ها به آنها مزیت مهمی می‌دهد؛ چون آنها بهتر از مردان می‌توانند پیام‌های خود را بفهمن و بهتر می‌توانند پیام‌های غیرکلامی ارسال شده را درک کنند و این به آنها کمک می‌کند تا بهتر پیش‌بینی کنند که افراد چگونه عمل خواهند کرد. یک

^۱ - دانشجوی دکتری مدیریت رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان، ایران

ایمیل: Afrooz.ahmad@gmail.com

^۲ - استادیار گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان، ایران

ایمیل: danaei@yahoo.com

استثنای مهم بر این قاعده این است که زنان بیشتر از مردان تمایل دارند تا پیام‌های فریبنده را درست پنداشته و کمتر از مردان در تمیز دادن پیام‌های نادرست از درست موفق‌اند. همچنین نتایج نشان داده، که زنان در مقایسه با مردان سطوح بالاتری از همدلی را نشان می‌دهند.

کلید واژه‌ها: جنسیت، درک پیام، ارتباطات

مقدمه:

ارتباط فرایندی است که اشخاص از طریق انتقال علایم پیام به تبادل معینی مبادرت می‌ورزند. پیام عبارت است از شکل عینی شده مفهوم ذهنی فرستنده پیام. پیام ممکن است کلامی یا غیر کلامی باشد. پیام کلامی به صورت نوشتار یا گفتار می‌باشد و پیام غیر کلامی علائم، اشارات و تصاویری هستند که برای ایجاد ارتباط به کار می‌روند. در بیانی دیگر پیام‌ها به صورت سمعی، بصری، کتبی، سمعی - بصری، بصری - کتبی، سمعی - کتبی، تقسیم‌بندی شده‌اند که فرستنده پیام موظف است برای فرستادن پیام خود از یکی از فعالیت‌های سخن گفتن، کاربرد وسیله مکانیکی برای ارسال پیام، عمل، تحریر و نوشتن یا ترکیبی از این فعالیت‌ها متناسب با پیامی که می‌خواهد بفرستد استفاده کند و گیرنده پیام نیز موظف است جهت دریافت گوش دادن، مشاهده، خواندن یا ترکیبی از این فعالیت‌ها متناسب با پیام فرستاده شده استفاده کند. در تقسیم‌بندی دیگر راه‌های شناخته شده در ایجاد ارتباط، ارتباطات گفتاری، نوشتاری و غیرگفتاری هستند. عیب ارتباطات گفتاری این است که پیام از چندین نفر عبور می‌کند. هر قدر تعداد افرادی که پیام از آن‌ها عبور می‌کند بیشتر باشد احتمال تحریف پیام بیشتر است. هر فرد پیامی را که دریافت می‌کند از دید خود تفسیر می‌کند و پس از آن که پیام به نفر آخر رسید محتوای آن کاملاً تحریف شده است. پیام نوشتاری بر پیام گفتاری ارجح است، زیرا هر گاه کسی بخواهد مطلبی را بنویسد دقت بیشتری به عمل می‌آورد و پیام دهنده مجبور است ژرف‌تر بیندیشد. بنابراین پیام‌های نوشتاری پشتوانه منطقی قوی‌تری دارند و رساتر و روشن‌تر می‌باشند. عیب پیام نوشتاری هم در وقت‌گیر بودن آن است و عیب دیگر آن بازخورد نمودن نتیجه و اینکه نمی‌توان تضمین کرد که آیا پیام نوشتاری به دست فرد مورد نظر رسیده و اینکه وی چگونه آن را تفسیر کرده است. ولی در ارتباطات گفتاری می‌توان از گیرنده پیام خواست آنچه را دریافت کرده بازگو کند. توانایی برقراری ارتباط، مهارتی اساسی برای انسان است و همچون بسیاری از مهارت‌ها، برخی از افراد در این زمینه استعداد بیشتری نسبت به دیگران نشان می‌دهند (کوهستانی، ۱۳۸۳).

«رایزمن»، از جامعه‌شناسان بنام علوم ارتباطات، از روزه ارتباطات، سه دوره را در تاریخ اجتماعی باز شناسی می‌کند: دوره اول، دورانی است که در خلال آن، سنت‌ها حاکم بر رفتار و روابط انسانی هستند. او این دوران را موجد پیدایش انسانی می‌داند که در اصطلاح خود «سنت رهبر» می‌خواند. دوره دوم، دورانی است که در آن، با کاهش اهمیت سنت‌ها در هستی اجتماعی

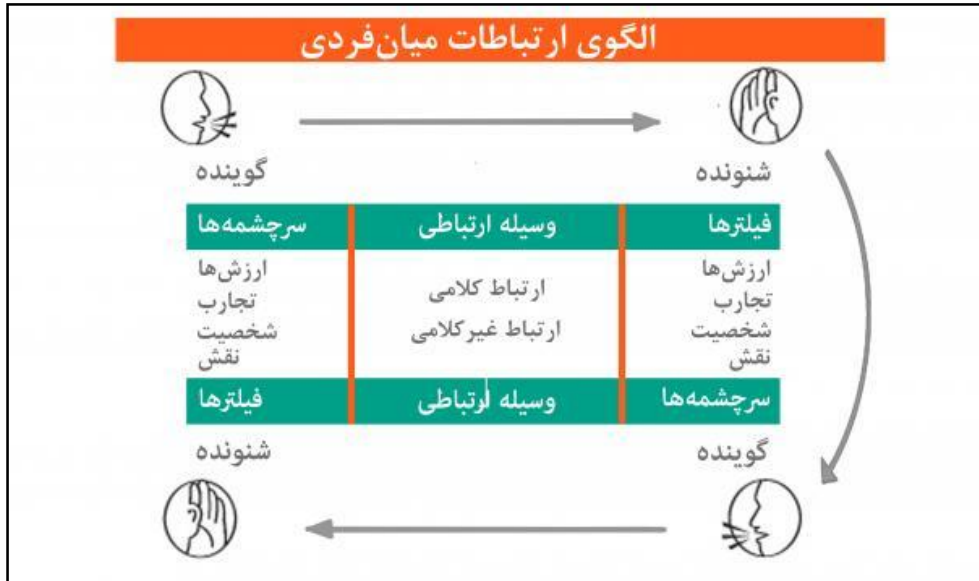
مواجه می‌شویم. این کاهش موجب می‌شود همگنی در رفتار و عمل انسانی کاهش یابد، زیرا همه از الگوهای یکسان در حیات اجتماعی پیروی نمی‌کنند. در چنین شرایطی، به گمان این دانشمندان، تاریخ شاهد پیدایش و سپس تکثیر انسان‌هایی خاص است که وی «درون رهبر» می‌خواند. «رایزمن» دوره سوم را دوران پیدایش انسان «دگر رهبر» می‌داند. به عقیده او، این دوران در تاریخ بشر به عنوان دورانی ثبت خواهد شد که در آن دیگران (صاحبان وسایل ارتباطی) الگوی حیات اجتماعی را می‌سازند (ساروخانی، ۱۳۸۱). مهارت‌های ارتباط را می‌توان م‌شتمل بر مهارت‌های فرعی متفاوتی دانست. توانایی گوش دادن فعالانه، به عنوان یک مهارت اساسی در روابط بین‌فردی مورد توجه قرار گرفته است. کنترل عواطف به عنوان مقوله دیگری از مهارت‌های ارتباطی، نقش مهمی در برقراری، تداوم و سلامت روابط اجتماعی ایفا می‌کند. توانایی دریافت و ارسال پیام‌های واضح ارتباطی، به عنوان یکی دیگر از مقوله‌های مربوط به مهارت‌های ارتباطی، مورد توجه قرار گرفته است. نه تنها دریافت و ارسال پیام به معنای عام، بلکه توانایی کشف معنای حقیقی پیام‌های کلامی و غیرکلامی در ارتباط اجتماعی نیز حائز اهمیت است. علاوه بر آنچه مطرح شد، توانایی دفاع از عقاید و نظرهای خود و مقاومت بر دیدگاه‌های منطقی و معقول خویش را می‌توان از جمله مقوله‌هایی دانست که در زمره مهارت‌های ارتباطی می‌گنجد. همچنین، برخی عادت‌های ارتباطی خاص افراد نیز وجود دارد که برقراری، تداوم و پایان‌بخشی به ارتباط متقابل را تسهیل می‌کند و هر فرد بنا به فراخور شخصیت و حتی فرهنگ خود، می‌تواند دارای چنین عادت‌هایی باشد. با توجه به اهمیت مهارت‌های ارتباطی و نظر به اینکه در جامعه اطلاعاتی هزاره سوم، برخورداری از مهارت‌های ارتباطی، برای تمام افراد به‌طور عام و جامعه علمی و آموزشی به‌طور خاص حائز اهمیت است و با توجه به درک و برداشت متفاوت از معنای پیام در ارتباطات، پژوهش حاضر با این هدف انجام شده که نقش جنسیت را درک و دریافت معنای پیام در ارتباطات بررسی کند.

– عوامل موثر در درک معنای پیام ارتباطات و ایجاد ارتباط:

در فرهنگ لغات وبستر، ارتباط (Communication)، عمل بخشیدن، انتقال دادن، آگاه ساختن، مکالمه و مراوده داشتن استفاده شده است. فرهنگ فارسی معین: ربط دادن، بستن، بر بستن، بسان چیزی با چیز دیگر، بستگی، پیوند، پیوستگی و رابطه. فرهنگ آرنایپور برای Communication: ارتباط، خطوط و وسایل ارتباطی، مبادله اطلاعاتی، نقل و انتقال، مراوده، اخبار، مکاتبه، سرایت، راه، ابلاغ. ارتباط عبارت است از هر گونه تعاملی که شامل انتقال پیام

با شد. واژه انگلیسی Communication، معادل «ارتباط» از واژه‌ای در زبان لاتین، به معنی مشترک یا عمومی مشتق می‌شود. ما در صدد هستیم که وجه اشتراکی بین خودمان و افرادی که در صدد برقراری ارتباط با آنها هستیم، بیابیم. هدف ارتباط، رسیدن به نتایج دلخواه است (اسدپور، ۱۳۹۱).

«دوروتی اسمیت» یکی از نظریه‌پردازان زن‌محور، جنسیت را اصلی‌ترین مقوله تحلیل اجتماعی به شمار می‌آورد. به نظر وی، جنسیت به خویشتن، نهادها، فرهنگ و سیاست جامعه ساختار می‌بخشد. بر اساس نتایج به دست آمده، گرایش به ارتباط در نزد زنان بیشتر از مردان است. چنین امری بنا به نظر اسمیت، می‌تواند ریشه در جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی در بین زنان و مردان داشته باشد. جامعه‌پذیری جنسیتی از خانواده شروع می‌شود و با عوامل دیگری چون نظام آموزشی، رسانه‌ها و گروه همسالان بسط می‌یابد. نحوه برخورد والدین با فرزندان باعث می‌شود ویژگی‌هایی همچون پرخاشگری، موفقیت، رقابت، اتکای به نفس و استقلال، بیشتر از پسرها مورد انتظار باشد. همچنین، بیشتر به پسرها توصیه می‌شود برای احقاق حق خود ایستادگی کنند. در عوض، از دختر انتظار می‌رود سازش کند، صلح‌جو باشد، اختلاف‌ها را نه با جنگ و جدال، بلکه با صحبت حل و فصل کند، مهربان و مراقبت‌کننده باشد. مردها با هدف توسعه مهارت‌ها و استعدادهای اقتصادی و رقابتی‌شان در محل کار تربیت می‌شوند. آنها می‌آموزند که در مقابل سلطه‌جویی دیگران مقاومت کنند.



شکل (۲): الگوی ارتباطی میان افراد

جدول (۱): عوامل موثر در ارتباطات بین افراد

نکات کلیدی	
ابزارها (وسیله‌ها)	شکلی از ارتباط کلامی (لغات) یا غیر کلامی (زبان بدن، تن صدا، فرم بدن)
سرچشمه‌ها	تمایلاتی که ما را در تخصیص معنا به پیامی که ارسال می‌کنیم، راهنمایی می‌کنند. سرچشمه‌های ما باعث می‌شوند که وقتی پیامی را می‌گوییم یا می‌نویسیم آن را به نحوی خاص رمزگذاری کنیم.
فیلترها	تمایلاتی که ما را در تخصیص معنا به پیامی که دریافت کرده‌ایم راهنمایی می‌کنند. فیلترهای ما باعث می‌شوند که وقتی پیامی را می‌خوانیم یا می‌شنویم یا می‌بینیم آن را به نحوی خاص رمزگشایی کنیم.

ارزش‌ها	باورهای عمیقی که درباره این که هر چیز چگونه باید باشد و چه چیز خوب است و چه چیز بد داریم.
تجارب	گذشته شخصی ما که از خانواده، جنسیت، قومیت، شغل، سفر و تحصیلات نشأت گرفته است، به آن چه که می‌گوییم و می‌شنویم معنا می‌دهد.
شخصیت	روانشناسی ما در زمینه ایجاد معنا متفاوت عمل می‌کند. مثلاً برخی از ما از طریق جزییات معنی ایجاد می‌کنیم. ما جزیلیت زیادی در پیامان می‌دهیم و انتظار داریم پیام سایرین هم این گونه باشد. اما برخی دیگر از الگوهای کلی معنای مشترک و به طبع آن پیام می‌سازند.
نقش‌ها	نقش‌هایی که شما در موقعیت‌های مختلف اجتماعی می‌پذیرید مثلاً رئیس، شهردار، معلم، پدر و مادر یا شهروندی با دغدغه. مردم پیامی درباره آموزش را بسته به این که در چه نقشی - مثلاً در نقش آموزگار یا پدر و مادر یا عضو هیئت مدیره مدرسه یا مالیات دهنده - گوش کنند، متوجه تفاوت می‌شوند.

- موانع موجود بر سر راه ارتباطات اثربخش

در مسیر ارتباطات اثربخش موانعی موجود است که مدیریت با شناخت و آگاهی داشتن از آن‌ها می‌تواند در دنیای واقعی آن‌ها را شناسایی کرده و به شیوه صحیح جهت ایجاد پویایی در ارتباطات عمل کرده و تنش‌زدایی کند.

- از صافی گذراندن: در صورتی که اطلاعات هنگام طی مراحل توسط افراد مختلف از صافی گذرانده و دستکاری می‌شوند، احتمال این که در پایان مسیر آن اطلاعات برای گیرنده نهایی تحریف شده باشد زیاد است.
- ویژگی‌های شخصی: ما واقعیت را نمی‌بینیم زیرا چیزهایی را که می‌بینیم از دیدگاه خود تفسیر کرده و واقعیت می‌نامیم.

- جنسیت: زنان و مردان به دلایل مختلف باید بین خود ارتباط گفتاری برقرار کنند و تحقیقات نشان داده که مردان با زبانی صحبت می‌کنند و مطالبی را می‌شنوند که درباره مقام سازمانی و استقلال در کار باشد و زنان با زبانی صحبت می‌کنند و مطالبی را می‌شنوند که درباره روابط و صمیمت می‌باشد البته این امر نسبی است ولی باید آن را مدنظر داشت.

- عواطف: نوع احساس گیرنده پیام هنگام گرفتن پیام بر تفسیری که او از محتوای پیام می‌کند اثر می‌گذارد. احساسات شدید مثل اندوه و یا خوشحالی بیش از حد شبکه ارتباطی مؤثر را خدشه‌دار می‌کند. در این شرایط فرد نمی‌تواند بخردانه و معقول عمل کند و نوع قضاوت او بر پایه عاطفه و احساسات است. زبان کلام برای افراد مختلف معانی مختلف دارد. سن، میزان تحصیلات و زمینه فرهنگی سه متغیر مشخصی هستند که کلمه‌ها، معانی و مفاهیمی که ما برای این کلمات قائلیم را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در صورتی که می‌دانستیم هر یک از ما چه برداشت‌هایی از کلمات داریم مشکلات ارتباطی به پایین‌ترین حد خود می‌رسید.

- ادراک: هر فرد حوادث را برحسب زمینه فرهنگی، اجتماعی و روانی مختص به خود درک می‌کند. ادراک فرد از یک پدیده ممکن است با ماهیت واقعی آن متفاوت باشد، از طرفی هر پدیده واحد ممکن است به وسیله افراد مختلف به صور گوناگون درک شود. همچنین فهم و درک یک پدیده واحد می‌تواند از راه‌ها و طریقه‌های مختلفی انجام گیرد. ادراک فرد با نیازهای شخصی رابطه نزدیک دارد و به طور کلی امری است فردی و منحصر به فرد که نمایانگر تمام یا قسمتی از موقعیت آن گونه که فرد می‌بیند می‌باشد. ادراک اجتماعی تحت نفوذ عواملی چون تعمیم گروهی، تعمیم فردی، یکسان بینی و انتظار و توقع است و باید مراقب باشیم که این گونه عوامل ادراک ما را تحت تأثیر قرار ندهند. پارازیت و جملات بی‌سر و ته در ارتباطات مانع پویایی روابط می‌شود. شایعه یکی دیگر از عواملی است که در سازمان ایجاد تنش می‌کند. شایعه پیامی است که در بین مردم رواج می‌یابد. ولی واقعیت‌ها آن را تأیید نمی‌کنند. شایعه زمانی رواج می‌یابد که مردم مشتاق خبر باشند ولی نتوانند آن را از منبعی موثق دریافت کنند. راه‌های کاهش شایعه در سازمان عبارت‌اند از اطلاع رسانی، برگزاری جلسات حضوری و گفت و شنود، استقرار نظام پیشنهادها در سازمان، توجه ملموس به امنیت خاطر شغلی کارکنان، تلفیق سازمان رسمی و غیر رسمی، خنثی کردن شایعه و آموزش‌های اخلاقی. زبان نیز ممکن است به مانعی بر سر راه ارتباطات تبدیل شود. مدیر باید ساختار پیام را به گونه‌ای در آورد که روشن و واضح باشد. همچنین کلمات باید با دقت انتخاب شوند و زبان در خور فهم شخص گیرنده باشد. گوش دادن می‌تواند ارتباطات را بهبود داده و تنش‌ها را بکاهد. گوش دادن شنیدن نیست. گوش دادن یعنی به صورت فعال به دنبال معنی و مقصود گشتن در حالی که شنیدن یک اقدام غیر فعال است. هر گاه مدیر به کسی گوش می‌دهد مغز او نیز در حال تجزیه و تحلیل و مصرف انرژی است. در صورتی که در مورد مسئله‌ای آشفته و دچار احساسات شویم نمی‌توانیم پیام‌ها

را به شکل صحیح دریافت و از سال کنیم. بهترین راه این است که چنانچه دچار احساسات شدیم اندکی تأمل نماییم و صبر کنیم تا به وضع عادی برگردیم.

- تفاوت و شباهت بین زن و مرد در درک معنای در ارتباطات:

زن‌ها با دور هم جمع شدن و صحبت کردن، بسیاری از نگرانی‌ها، استرس‌ها و ناراحتی‌های خود را تعدیل و تخلیه می‌کنند. تمایل به ارتباطات اجتماعی و حرف زدن در زنان بیشتر از مردان است. به همین دلیل چنانچه درک و آگاهی زن و مرد، نسبت به این خصوصیت ضعیف باشد، مطمئناً آنان را دچار سوء تفاهمات جدی در زندگی مشترک خواهد کرد. مطالعات نشان می‌دهد که توانایی کلامی زنان و یا مهارت در به کارگیری زبان، بیش از مردان است. دختران جوان تا حدودی پرحرف‌تر از پسران هستند. در کل، زنان در شرایط مشابه تحصیلی، تربیتی و فرهنگی خود بهتر و از نظر گرامری صحیح‌تر حرف می‌زنند. مردها معمولاً وارد جزئیات و نکات ظریف نمی‌شوند، در حالی که زن‌ها به عمق مسائل و اجزاء ریز در ارتباطات و دیگر موارد، توجه زیادی دارند. معمولاً این خصوصیات زن و مرد، موجب می‌شود زن تصور کند مرد درباره بسیاری از مسائل بی‌دقت و بدون توجه است و مرد نیز همسرش را فردی حساس و ریزبین بداند که همیشه ذهن خود را برای موارد و مسائل پیش پا افتاده و کم اهمیت، درگیر و مشغول می‌کند. مردها بیش از زن‌ها تحت تأثیر جذابیت‌های جسمی و آراستگی طرف مقابل خود قرار می‌گیرند که این نیز یکی دیگر از تفاوت‌های مهم آن‌ها است. یکی دیگر از تفاوت‌های عمده بین زن و مرد در درک معانی، عاطفی‌تر بودن زنان است و این انتظاری است که زن‌ها، از مردها نیز دارند. در سیستم عصبی خانم‌ها و آقایان، به طور مثال مغز آقایان حدود ده درصد بزرگ‌تر از مغز خانم‌هاست، اما زنان دارای سلول‌های عصبی فعال بیشتری در بخش‌های خاص مغز می‌باشند. زنان معمولاً دارای بخش کورپوس کولوسوم (*corpus collusum*) بزرگ‌تری هستند (کورپوس کولو سوم به گروهی از سلول‌های عصبی گفته می‌شود که ارتباط میان دو نیم کره مغز را یعنی نیم کره چپ و راست شکل می‌دهد)، این باعث می‌شود که زنان در انتقال اطلاعات از یک نیم کره به نیم کره دیگر سریع‌تر باشند. یعنی می‌توانند از نیم کره چپ مغز که بیشتر فعالیت‌های محاسباتی و حرکتی را انجام می‌دهند، به همان اندازه استفاده نمایند که از بخش احساسی و بصری نیم کره راست استفاده می‌کنند. اما آقایان معمولاً تنها قادر به استفاده از نیم کره چپ مغز خود می‌باشند. زن‌ها معمولاً اشتیاق بیشتری به ساختن دارند تا به بردن، زنان معمولاً مایل به دستیابی و حصول توافق هستند و مایل‌اند تا عقاید و نظریات دیگران را نیز

بشنوند و بالعکس آقایان فکر می‌کنند اگر از دیگران راهنمایی بخواهند آن‌ها به‌عنوان یک رهبر ضعیف که از داشتن پاسخ‌های مناسب بی‌بهره است، شناخته می‌شوند. یکی از شگفتی‌های آفرینش، وجود تفاوت‌ها بین زنان و مردان است. بیولوژیست‌ها و پژوهشگران، پس از بررسی و تحقیق‌های متعدد، به این نتیجه دست یافتند که رفتارهای ذهنی و فکری زنان و مردان در پاره‌ای از صفت‌های اصلی به صورت ذاتی، با هم فرق داشته و تحت تأثیر جنسیت، به گونه‌ای متفاوت از یکدیگر، عمل می‌کنند.

* زنان بیش از مردان از روش‌های اجتنابی مقابله از قبیل واکنش خصمانه، فعل‌پذیری، پری‌شانی و تفکرات آرزومندانه استفاده می‌کنند. این یافته‌ها تا حدی می‌تواند منعکس‌کننده این واقعیت باشد که زنان در مواجهه با عوامل تنش‌زای عینی و شناخته شده بیشتر از مقابله اجتنابی و گاهی هم از مقابله گرایشی استفاده می‌کنند.

* تحقیقات نشان می‌دهند که زن‌ها و مرد‌ها از روش‌های متفاوتی برای نشان دادن گوش کردن خود استفاده می‌کنند. زن‌ها در حین گوش دادن بیشتر سر تکان می‌دهند و از کلماتی مانند آهان، بله و... استفاده می‌کنند و مقصودشان نیز از استفاده این کلمات این است که «دارم به حرف‌های شما گوش می‌دهم». ولی مرد‌ها کمتر این حرکات را انجام می‌دهند و بیشتر زمانی از این اصوات و کلمات استفاده می‌کنند که بخواهند توافق خود را اعلام نمایند.

* زنان تشریفات را دوست دارند.

* مردان کمتر تشریفات هستند.

* زنان، رابطه‌گرا بوده و تمایل به تماشا و نظر دارند و استعداد بیشتری برای بینش و شهود از خود نشان می‌دهند.

* مردان، هدف‌گرا بوده و به عمل و آزمایش، بیشتر تمایل نشان داده و استعداد بیشتری برای ارائه دلیل و منطق دارند.

* زنان نفوذ همسران خود را راحت‌تر می‌پذیرند.

* مردان در مقابل نفوذ زنان از خود مقاومت نشان می‌دهند.

* ترس زنان بیشتر است تا خشمشان.

* مردان بیشتر از این که بترسند، خشمگین می‌شوند.

* زنان تحمل بیشتری در برابر رنج بدنی نشان می‌دهند تا رنج روحی.

* مردان در برابر رنج روحی، مقاومت بیشتری از خود نشان می‌دهند.

* زنان سعی دارند فرزندانشان، همواره راضی و راحت باشند.

- * مردان، فرزندانشان را برای استقلال، مقابله با خطر و سختی‌ها آماده می‌سازند.
- * مادر، همه فرزندان خود را به طور تقریبی یکسان دوست دارد؛ مهر و محبت او مشروط به اطاعت و بروز استعداد نیست.
- * پدران، فرزندان را که از آنان حرف شنوی داشته و در امر تحصیل، اجتماعی و حرفه‌اش موفق تر باشند، بیشتر دوست دارند.
- * در چهره زنان، هنگام گفت و گو حالت‌های ترس، خشم، تعجب، آرامش، اضطراب و لذت به خوبی قابل رویت است.
- * مردان در هنگام گوش دادن، خونسرد بوده و چهره‌شان دچار تغییرهای زیادی نمی‌شود.
- * زنان هنگامی که اندیشه‌های غم‌انگیز و ناراحت کننده‌ای دارند، واکنش‌های هیجانی تر و احساسی تری را نسبت به مردان از خود بروز می‌دهند.
- * مردان در برخورد با افکار غم‌انگیز و رویدادهای ناراحت کننده، احساس‌های خود را بروز نداده یا کمتر بروز می‌دهند.
- * زنان در هنگام گفت و گو، جروب‌بحث و بگومگوهای مختلف، مسائل منطقی را با عواطف و احساسات خود در هم می‌آمیزند و از رفتارهای کلامی و غیرکلامی خود، بیشتر و قوی تر استفاده می‌کنند.
- * مردان در هنگام گفت و شنود، جروب‌بحث و بگومگوها، بدون اینکه عواطف و احساسات خود را بروز دهند، می‌توانند خویشتن دار باشند، منطقی سخن بگویند و مستقل از احساسات خود عمل کنند.
- * احساس موفقیت در زنان، زمانی حاصل می‌شود که مورد تأیید و تصدیق قرار گیرند.
- * مردان زمانی خود را موفق و باارزش می‌دانند که به هدف‌هایشان برسند و اعتماد به نفس آنان زمانی بالاست که در انجام کارها موفق عمل کرده و خود را ثابت کرده باشند.
- * زنان شنونده خوبی هستند.
- * مردان شنونده خوبی نیستند.
- * بدون درخواست کمک، اگر به خانمی پیشنهاد کمک شود، او آن را علامت مهر و محبت دانسته و در اغلب موارد پذیرای آن می‌شود.
- * در نظر یک مرد، پیشنهاد کمک به او، به منزله این است که قدرت انجام کاری که به عهده گرفته است، ندارد و او از این پیشنهاد، آزرده شده و آن را نوعی توهین به خود تلقی

می‌نماید. حتی ممکن است به آن اعتراض کرده و خشم خود را نشان دهد، چرا که مرد تصور می‌کند که خود می‌تواند از عهده کارهایش برآید.

* برای بیشتر زنان، گفت و شنود و هم‌دلی وسیله ارتباط عاطفی و احساسی است و زن با زبانش می‌خواهد با همسرش ارتباط برقرار کند.

* برای بیشتر آقایان، گفت‌وگو وسیله ارتباط و تبادل اطلاعات به حساب می‌آید.

* زنان اندیشه استقرایی دارند و از جزء به کل می‌رسند؛ خواهان احساس و عاطفه بیشتری هستند در تصمیم‌گیری مرددند؛ برای تصمیم‌گیری به اطلاعات بیشتری نیاز دارند، ولی به آسانی اشتباه‌های خود را قبول می‌کنند.

* مردان با شیوه قیاسی، استدلال می‌کنند و از کل به جزء می‌رسند و خواهان اطلاعات بیشتری هستند، سریع‌تر تصمیم می‌گیرند و کمتر حاضر می‌شوند به اشتباه‌های خود اعتراف کنند.

* زنان جزئی‌نگر هستند، ماهرانه متوجه آهنگ‌های ظریف صدا، علائم ظاهری، حالت‌ها و تغییرهای چهره شده و از این طریق به علاقه‌ها، اندیشه‌ها و روحیه طرف مقابل به خوبی و سریع پی می‌برند؛ راست و دروغ حرف‌های طرف مقابل را به سرعت کشف می‌کنند.

* مردان کلی‌نگر هستند و به جزئیات زیاد توجه نمی‌کنند. لذا تمایل، احساسات و هیجان‌های طرف مقابل را از چهره‌اش به خوبی درک نمی‌کنند.

* در بسیاری از موارد زنان و مردان با وجودی که از کلمات مشابه استفاده می‌کنند، ولی حرف یکدیگر را نمی‌فهمند.

* زن‌ها بیشتر از پیام به فرایم اهمیت می‌دهند. در حالی که برای مردها خود پیام اهمیت بیشتری دارد.

* زنان برای بیان احساسات به خود حق می‌دهند، از انواع صفات عالی و مبالغه‌آمیز استفاده کنند و احساسات خود را غلیظ جلوه دهند. زن محدودیتی در استفاده از لغات نمی‌بیند در صورتی که مردان این کلمات را واقعی پنداشته و واکنش نامناسب نشان می‌دهند.

* زنان بیشتر از مردان، هنگام گفتگو با همجنسان خود به صورت آنان خیره می‌شوند. زمانی که دو زن با یکدیگر صحبت می‌کنند، معمولاً به چشمان همدیگر نگاه می‌کنند، اما هنگامی که دو مرد با یکدیگر گفتگو می‌کنند، هر یک به نقطه‌ای چند سانتی‌متر بالای گوش طرف مقابل نگاه می‌کنند.

* زنان معمولاً بیش از مردان لبخند می‌زنند. بررسی‌های موجود، فراوانی لبخند در زنان را دو برابر مردان گزارش کرده است پژوهش‌ها نشان می‌دهد که لبخند زنان الزاماً به معنای شاد بودن و یا حالت‌های عاطفی دوستانه آن‌ها نیست.

- نتیجه‌گیری

انسان موجودی نیازمند است و برای ارضاء نیازهایش مجبور به برقراری ارتباط با دیگران است. زیرا دیگرانند که نیازهای ما را ارضاء می‌کنند. یا به عبارتی دیگر ما از طریق ارتباط با دیگران انتظارات، افکار، احساسات و هیجانانگیزان را به دیگران انتقال می‌دهیم و انتظارات، افکار، احساسات و هیجانانگیزان دیگران را درک می‌کنیم. این ارتباط صورت نمی‌گیرد، مگر اینکه از مهارت‌های ارتباطی برخوردار باشیم.

از مقایسه عکس‌العمل‌های زنان و مردان از درک معانی در ارتباطات، می‌توان نتیجه‌های زیر را به دست آورد:

- در قیاس بین ویژگی‌های زنان و مردان، ناپیوستگی فکر کنیم که خصوصیات مردان، از خصوصیات زنان بهتر است و یا برعکس.

- زنان و مردان، مکمل یکدیگر هستند؛ ویژگی مردان، کمبودهای زنان و ویژگی‌های زنان، کمبودهای مردان را تکمیل می‌کند. به عبارت دیگر، هر کدام کمبودهای دیگری را برطرف می‌سازند، بنابراین اگر با یکدیگر هماهنگ شوند، در بسیاری از موارد، مسائل و مشکلات منطقی‌تر، عاقلانه‌تر و اصولی‌تر برطرف می‌گردند.

- نه تنها ساختار مغز زنان و مردان با یکدیگر متفاوت می‌باشد، بلکه مردان و زنان از مغزشان به طرز متفاوتی استفاده می‌کنند. در مغز زنان اتصالات و ارتباطات بیشتری بین دو نیمکره چپ و راست وجود داشته که به آن‌ها این توانایی را می‌دهد تا از مهارت گفتاری بهتری نسبت به مردان برخوردار باشند.

- وقتی زن و مرد تفاوت‌های یکدیگر را بدانند و آن‌ها را بپذیرند، ارتباط قوی و موثری بین آنان برقرار می‌شود و عشق، فرصت شکوفایی پیدا می‌کند. بنابراین، آگاهی از ویژگی‌های رفتاری زنان و مردان، در بهبود روابط مرد و زن و ایجاد آرامش بیشتر و تنش کمتر، مؤثر می‌باشد.

- زنان در برخورد با مسائل و مشکلات، به جزئیات، توجه بیشتری داشته و احساسی‌تر عمل می‌کنند، ولی مردان در مقابله با مشکلات و مسائل، کلی‌نگری کرده و منطقی‌تر عمل می‌کنند.

- مردان موقعیت‌ها و اوضاع را بطور کلی درک می‌کنند و تفکر کلی و جامع دارند، در حالی که زنان موضعی می‌اندیشند و بروی جزئیات و نکات ظریف تمرکز می‌کنند.

- مردان صداهای گوش‌خراش، دست دادن محکم و رنگ قرمز را ترجیح می‌دهند. مردان در حل مسائل فنی بهتر می‌باشند. زنان دارای گوش تیزتری می‌باشند و هنگام صحبت کردن از واژه‌های بیشتری استفاده می‌کنند و در تکمیل و اتمام وظایف به‌طور مستقل بهتر از مردان می‌باشند.

- مردان ارتباط‌های مکانیکی را بهتر درک می‌کنند و استعداد ریاضی بهتری نسبت به زن‌ها دارند، اما در کارهای دستی مخصوصاً کارهایی که نیاز به چالاکی انگشتان دارند خانم‌ها بهترند و چابکی انگشتان زنان به آن‌ها اجازه می‌دهد که ماشین‌نویس خوبی باشند. یکی از ویژگی‌های جالب زنان این است که می‌توانند اطلاعاتی را برای مدت کوتاهی در حافظه خود نگه دارند که با هم هیچ ارتباطی ندارند و به خود آن‌ها نیز مربوط نیست. بر پایه همین توانایی است که زن‌ها بهتر می‌توانند به منشی‌گری و کارهای دفتری اشتغال داشته باشند.

منابع

- اسدپور، محمد (۱۳۹۱). ارتباطات در برنامه‌های بهداشتی. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی رفسنجان
- حسین چاری، مسعود و محمد مهدی فداکار (۱۳۸۴). بررسی تأثیر دانشگاه بر مهارت‌های ارتباطی بر اساس مقایسه دانش‌آموزان و دانشجویان. دانشور رفتار، ۱۲.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی ارتباطات. تهران: اطلاعات.
- کوهستانی، حسین (۱۳۷۵). بررسی عوامل مؤثر در برقراری ارتباط بین آموز شگران و فراگیران در دوره‌های آموزشی ترویج در استان آذربایجان شرقی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی (ترجمه منوچهر صبوری). تهران: نی.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۷۶). نظریاتی چند درباره ارتباطات. فصلنامه پژوهش سنجش، ۱۱ (۴): ۷۶-۹۰.
- هومین‌فر، الهام (۱۳۸۲). تحول جامعه‌پذیری جنسیتی. پژوهش زنان ۳ (۷): ۱۹-۱۲.
- یوسفی، فریده و محمد خیر (۱۳۸۱). بررسی پایایی و روایی مقیاس سنجش مهارت‌های اجتماعی مائسون و مقایسه عملکرد دختران و پسران دبیرستانی در این مقیاس. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز ۱۸ (۲): ۱۴۷۷-۱۵۸.

- Bandura, A. 1997. Self-efficacy: The exercise of control. New York: W.H.Freeman.
- Elliot, S. & Greshman, F.M. 1993. Social skills interventions for children. Behavior Modification 17 (3): 287-313.
- Knapp, M.L. & Hall, J. 1992. Nonverbal Communication in Human Interaction, 3rd edition. New York: Holt Rinehart and Winston.
- Segrin, C. 1992. Specifying the nature of social skill deficits associated with depression. Human Communication Research 19: 89-123.
- Sternberg, R.J. 1986. The nature and scope of practical intelligence. In Sternberg and R.A. Wagner (Eds.), Practical Intelligence. (pp. 1-12). Cambridge: Cambridge University Press